مدخل

اینکه چقدر واقعیت، زندگی واقعی و واقعیات طبیعت باید در ادبیات کودکان جای اصلی را به خودش اختصاص بدهد فکر نکنید که فقط سؤال بعضی از کسانی است که به ادبیات کودکان توجه دارند؛ این اصلا یک بعد جهانی دارد. [...] مثلا، روان شناس ها از دید خودشان و جامعه شناس ها از منظری دیگر روی این مسئله کار کردند و نهایتا به این نتیجه رسیدند که زبان افسانه برای کودکان هم جذاب است و هم لازم. در درون هر افسانه واقعیتی است، حکمتی است که بچه ها آرام و به تدریج ـ و در واقع نامرئی ـ به آن دسترسی پیدا می کنند.

توران میرهادی



راه گذشتن از گذشته‌ای سخت

درباره کتاب «کودک دریا» و درسی که به آدم بزرگ‌ها می‌دهد

حمزه خوشبخت

ادبیات کودک و نوجوان

کودک دریا درس بزرگش را به آدم بزرگ ها یاد داد و سفرش را تا بی انتهای دریا ادامه داد. «یان»، پسرکو چولوی ریزه میزه قصه «کودک دریا»، به مخاطبان قصه اش یادآور شد که در موقعیت ستم نمانند و راه اقیانوس ها رادرپیش بگیرند. حرف مهم دیگر این قصه شاید این باشد که آدم بزرگ ها باید مسئولیت حرف ها و رفتارهایشان را بپذیرند. اما قصه از چه قرار است؟

یک تصویر جدی و واقعی از دنیای کودکان

شبی، «یان» شش برادر خود را از خواب بیدار می کند و به آن ها می گوید که باید فرار کنند، چون پدرشان آن ها را به مرگ تهدید کرده است. هفت برادران قصه ـ که دیگر نمی خواهند کتک های پدرشان را تحمل کنند ـ به راهنمایی کوچک ترین برادر خود راهِ رفتن از خانه شان را پیش می گیرند. آن ها با لباس های مندرس خود جنگل ها و شهرها را پشت سر می گذارند و در راه با آدم های متفاوتی برخورد می کنند و از دید خودشان راوی قصه می شوند. ماجرای هفت برادران به آدم بزرگ ها یک تصویر جدی و واقعی از دنیای کودکان نشان می دهد.

در قسمتی از داستان، از قول شخصیت نویسنده ای که برادران را دیده، چنین می خوانیم: «چشمانم را به در می دوزم. دزد عاشق و بی دست وپای رمان من با این بچه ها هزاران سال نوری فاصله دارد.» پس از دیدن بچه های داستان «کودک دریا»، نگاه نویسنده درباره نوشتن داستان عوض می شود.

بچه های داستان «کودک دریا» به درستی نمی دانند مقصد نهایی شان کجاست، تنها می دانند که نباید زیر بار ستم بروند و باید به دریا برسند. آن ها، در راه گذشتن از گذشته ای سخت و رسیدن به دریا، مشکلات سرما و راه های سنگلاخ را به جان می خرند، زیرا فهمیده اند که برگشتن به خانه دیروز و روزگار کتک خوردن یک اشتباه است که نباید صورت بگیرد. داستان بسیار عمیق تر از این خلاصه واری است که نوشته شد. «کودک دریا» را باید خواند و در عمق جان احساس کرد. در هر فصل این کتاب، از گام های بچه هایی که رو به فردا می روند صدای موج دریا می آید.

چرا باید داستان «کودک دریا» را بخوانیم؟

در هر فصل از داستان، راوی های متفاوتی قصه را تعریف می کنند. این شکل از داستان نویسی باعث می شود مخاطبْ داستان را از زاویه دیدهای متفاوتی ببیند. این مسئله، یعنی همین حضور آدم های مختلف و نگاه های گوناگون به هفت برادران، باعث می شود مخاطب شیوه برخورد آدم های مختلفی را مطالعه کند؛ شاید دست آخر از خودش بپرسد که اگر خود با آن بچه ها روبه رو می شد چه واکنشی نشان می داد.

داستان، همچنین، یک تصور معمول اشتباه را به چالش می کشد، این تصور که بچه ها حق ندارند به حرف ها و رفتارهای آدم بزرگ ها اعتراض کنند. برخی گمان می کنند، چون از بقیه است سن بیشتری دارند، همه باید حرف و رفتارشان را ـ بدون فکر ـ قبول کنند. داستان عمیق «کودک دریا» با حضور هفت برادران چنین نگاهی را به چالش می کشد.

بالأخره اینکه یان، قهرمان داستان، این امر مهم را به مخاطب یادآوری می کند که هیچ چیز نمی تواند مانع عمل بزرگ شود. یان آن قدر کوچک است که در یک ساک دستی جا می شود، اما چشم های او نور را می بینند، گوش هایش صدای موج دریا را می شنوند و قلبش عشق و دوستی را از راه های دور حس می کند. ماجرای یان را می توان جلوه ای از قصه «پسر بندانگشتی» به حساب آورد که مهم ترین مسائل اجتماعی را هم در بر می گیرد.

درباره نویسنده

ژان‌کلود مورلوا نویسنده بزرگ فرانسوی است که کتاب های متعددی برای کودکان و نوجوانان نوشته است. از آثار او می توان به «دوست دارم به خانه بروم»، «پیاده روی کوربیکوک» و «نبرد زمستانی» اشاره کرد. این نویسنده درباره کتاب «کودک دریا» می نویسد: «'کودک دریا' کوشش ادبی پرمخاطره و نقطه عطفی حقیقی بود. همیشه از خودم می پرسم در دنیا کسی به جز من از این کتاب خوشش می آید!»

بخشی از متن کتاب

«به نظرم آمد که او یک بچه واقعی نیست و یک راست از متن افسانه ای بیرون آمده است. ای کاش حق داشتم ـ برای لحظه ای هم که شده ـ وارد آن افسانه بشوم! ای کاش او قبول می کرد که مرا به آنجا راه بدهد!»

«کودک دریا»، نوشته ژان‌کلود مورلوا، ترجمه زهره ناطقی، نشر محراب قلم، ۱۴۰ صفحه، ۱۲۵ هزار تومان.



میراث خراسان



می سزد گر ساقی امشب باده در ساغر بریزد
باده در ساغر به عشق یار سیمین بر بریزد
می سزد گر آب زر امشب برای وصف دلبر
جای جوهر از قلم بر صفحه دفتر بریزد
می سزد امشب اگر طوطی طبعم پر گشاید
جای شعر از سینه ام لعل و دُر و گوهر بریزد
می سزد امشب اگر از رحمت حق ابر رحمت
جای باران بر زمین گه عطر و گه عنبر بریزد
می سزد امشب اگر روح الامین از فرط شادی
بر سر خلق جهان از عرش اعلا زر بریزد
می سزد امشب اگر از دیدن باب الحوائج
شادی از رخسار و نور از روی پیغمبر بریزد
می سزد امشب اگر از مَقدم موسی بن جعفر
اشک شوق از دیدگان ساقی کوثر بریزد
می سزد امشب اگر بهر نثار مقدم او
آسمان از دیدگان خویشتن اختر بریزد
می سزد امشب اگر از یُمن این مولود مریم
بهر کوریِّ حسودان عود در مِجمر بریزد
می سزد امشب اگر از آسمان و ابر ظلمت
خاک غم بر فرق خصم موسیِ جعفر بریزد
زد قدم در ملک هستی آن که از یُمن قدومش
وجد از دیوار و شادی و سرور از در بریزد
زد قدم شاهی که از بهر نثار مَقدم او
زآسمان روح القُدُس از شوق دل اختر بریزد
آمد آن فرمان روایی کز برای مدحت او
جای شعر از سینه ژولیدگان گوهر بریزد

محمدحسن فرح بخشیان (ژولیده نیشابوری)

معرفی سه کتاب تازه از نشر «خوب»

فلسفه، در جستار و داستان و رمان

رادمنش

مصائب زیستن در جامعه ای معیوب

باربیای جوان و سرکش خوابیدن روی تشکی از کاه طویله، مرغ دزدیدن و فرار از دست صاحب خانه ها را به فرمان برداری از پدر و تربیت کشیش ترجیح می دهد. در جامعه آفت زده روسیه، او نه سقفی بالای سرش دارد و نه هدفی که به دنبالش برود. آن قدر خود را به دست سرنوشت و وقایع زندگی می سپارد تا روزگار درس تلخی به او بدهد، زمانی که دیگر وقت مناسبی برای بزرگ شدن نیست.

یوگنی زامیاتین، در داستان بلند «در آبادی»، داستان نوجوانی به نام «باربیا» و مصائبش را در متن جامعه ای معیوب و عقب مانده و گرفتار فقر و محرومیت روایت می کند. داستان «در آبادی» مربوط به دوره ای بحرانی از تاریخ روسیه است، دوره ای که روسیه غرق در فقر و بحران های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بود، تا فروپاشی حکومت تزاری چیزی نمانده بود و نزدیک بود که روسیه درگیر انقلاب و جنگ داخلی شود. زامیاتین، در داستان «در آبادی»، به شیوه ای رئالیستی و با طنزی تلخ، زندگی مردمی را که در نقاط دوردست و پرت افتاده روسیه اوایل قرن بیستم زندگی دشوار و پر از رنجی را از سر می گذراندند به تصویر می کشد. داستان «در آبادی» روایتی از زندگی مردم و رنج های آن هاست.

این داستان به شیوه ای ساده و با طنزی ظریف و باریک بینانه و انتقادی نوشته شده است. ساده نوشتن و به دام ساده لوحانه و سطحی نوشتن نیفتادن کاری دشوار است و مهارتی ویژه می طلبد. زامیاتین، در داستان «در آبادی»، این مهارت را به خوبی به نمایش می گذارد.

او، با طنزی که رنگی از طنز نیکلای گوگولِ بزرگ دارد، پیچیدگی های مردم را، که به ظاهر ساده می نمایند، و مسائل بغرنج زندگی آن ها را به تصویر می کشد و کاریکاتورهایی سیاه پدید می آورد که برآمده از طنزی آمیخته به شفقت هستند. فضاسازی و شخصیت پردازی ماهرانه از ویژگی های اصلی سبک زامیاتین در این کتاب است. او خوب می داند چطور از طریق فضاسازی تصاویری تأثیرگذار و تلخ از جغرافیای زوال و تباهی و فقر و مسکنت و جهل و خشونت و عقب ماندگی ارائه دهد.

درباره نویسنده

یوگنی ایوانویچ زامیاتین (۱۸۸۴-۱۹۳۷) از نخستین منتقدان و مخالفان نظام شوروی محسوب می شود. او، مثل هر نویسنده منتقد دیگر، مغضوب حکومت بود و در راه خود حبس کشید و کتک خورد. رمان علمی-تخیلی و ویرانشهری «ما» ـ که مهم ترین و شناخته شده ترین اثر اوست و نشر بیدگل فارسی آن را با ترجمه بابک شهاب منتشر کرده ـ تصویری است نقادانه از نظام توتالیتر و پلیسی. رمان «ما» را نخستین اثری می دانند که دستگاه سانسور اتحاد جماهیر شوروی ممنوع اعلام کرد. پس از این، نویسنده ممنوع القلم شد و ناچار کشورش را ترک کرد. او در غربت و فقر مرد.

برشی از کتاب

«سرانجام، هوس کرد از این زندگی سگی خلاص شود. دلش آدم خواست، دلش خواست مانند همه آدم ها چای داغ بنوشد و زیر پتوی نرم بخوابد. چه روزها که باربیا درون آخورش، روی تشک کاهی، از صبح تا شب دمر خوابید و چه روزها که در خرابه بالکاشین از صبح تا شب در جست وجوی نشانی از انسان و زندگی انسانی چرخ زد!»

«در آبادی»، نوشته یوگنی زامیاتین، ترجمه بابک شهاب، ۱۴۴ صفحه، ۹۹ هزار تومان.



هراس از مجازات انجام وظیفه

«مرثیه ای برای افتخار» داستان افسری درسمت بازنده جنگ است. پس از جنگ جهانی دوم، عملا، ژاپنی باقی نمانده بود. افسر تاکویا، که در اعدام اسرای آمریکایی در واپسین روزهای جنگ دست داشته، درمی یابد که نیروهای اشغالگر آمریکایی در پی دستگیری مظنونان جرائم جنگی هستند و بنابراین در وطن خودش فراری می شود. حالا، در سرزمین شکست و تحقیر و گرسنگی، او به این می اندیشد که فقط از فرامین اطاعت کرده بوده است. چرا مردی به صداقت و وظیفه شناسی او باید به دست آدم هایی بیفتد و محکوم شود که روی هیروشیما و ناگازاکی بمب اتم انداخته و شهروندان بی گناه بی شماری را قتل عام کرده اند؟

درباره نویسنده

آکیرا یوشیمورا (۲۰۰۶-۱۹۲۷) نویسنده مشهور ژاپنی است. او رئیس اتحادیه نویسندگان ژاپن و عضو انجمن PEN بود. یوشیمورا در سال ۱۹۶۶ برنده جایزه اوسامودازای، در سال ۱۹۷۳ برنده جایزه کیکوچی کان و در سال ۱۹۸۵ برنده جایزه یومیوری شد.

برشی از کتاب

«همه انتظار داشتند مجازات آن ها نیز به تعویق بیفتد، اما اوایل عصر روز پنج آوریل ابلاغ شد که برای اجرای حکمشان باید به بخش دیگری از زندان منتقل شوند. دو روز بعد، سی ودو دقیقه پس از نیمه شب، سرهنگ اینوئه و سه تن دیگر به دار آویخته شدند.»

«مرثیه ای برای افتخار»، نوشته آکیرا یوشیمورا، ترجمه شهره حدادان، ۲۴۰ صفحه، ۲۱۰ هزار تومان.



نگرانی های یک فیلسوف از وضع بشر

راسل در بخش کتاب «پرتره خاطرات» به مسائل ادبی، فلسفی و سیاسی زمانه خود می پردازد؛ بنابراین، از مسائل فلسفی محض گرفته تا نگرانی های شخصی درباره وضع بشر و آینده آن را در این اثر می توان سراغ گرفت. به گمان راسل، خاطره نویسی، به رغم بی توجهی برخی نویسندگان بزرگ به آن، می تواند به تولید یک متن ادبی غنی بینجامد، و، از همین رو، در بخش دوم کتاب خود، در جستارهایی کوتاه، به شرح آشنایی اش با بزرگان عصر خود و مقدم بر آن، از جمله جرج برنارد شاو، جوزف کنراد و جان استوارت میل، می پردازد.

درباره نویسنده

برتراند راسل فیلسوف، ریاضی دان، جامعه شناس، فعال سیاسی ضدجنگ و خیلی چیزهای دیگر بود. او، در سال ۱۹۵۰، به پاس «آثارش در حمایت از نوع دوستی و آزادی اندیشه» برنده نوبل ادبیات شد. آثار زیادی از او به فارسی برگردانده شده است که از آن جمله می توان به «قدرت» و «تاریخ فلسفه غرب» با ترجمه نجف دریابندری، «در ستایش فراغت و چند مقاله دیگر» با ترجمه ابراهیم یونسی، «مسائل فلسفه» با ترجمه منوچهر بزرگمهر، و «جستارهای فلسفی» با ترجمه میر شمس الدین ادیب سلطانی اشاره کرد.

برشی از کتاب

«در عصر ما، بشر به قدری اسیر نخوت شده که در اعصار پیش نمونه آن را سراغ نداریم. درگذشته، پرومتئوس راشخصیتی آزادی بخش می دانستند که زئوس با بیدادگری مانع کارهای خیرخواهانه اش شد، اما امروز کار به جایی رسیده که می گوییم کاش زئوسی بود و جلوِ پیروان جدید پرومتئوس را می گرفت!»

«پرتره خاطرات (جستارهایی درباره خرد، ادبیات و فلسفه)»، نوشته برتراند راسل، ترجمه امیر قاجارگر، ۱۷۲ صفحه، ۱۶۰ هزار تومان.



بازنمود داستان‌های شاهنامه ۲

علی باقریان

دنباله پادشاهی گیومرت
سخن فردوسی
[۱۰] پسر بُد مَر او را یکی خوب روی
خردمند و هم چون پدر نام جوی
[۱۱] سیامک بُدَش نام و فرخنده بود
گیومرت را دل بدو زنده بود
[۱۲] ز گیتی به دیدار او شاد بود
که پُس بارورشاخِ بنیاد بود
[۱۳] به جانش بَر از مهر گریان بُدی
ز بیمِ جداییش بریان بُدی
•
[۱۴] برآمد بر این کار یک روزگار
فروزنده شد دولتِ شهریار
[۱۵] به گیتی نبودش کسی دشمنا
مگر در نهان ریمَن اَهرَمَنا
[۱۶] به رشک اندر آهرَمَن بدسِگال
همی رای زد تا بیاگند یالَ
[۱۷] یکی بچّه بودش چو گرگِ سترگ
دلاور شده با سپاهی بزرگ
[۱۸] جهان شد بر آن دیوبچّه سپاه
ز بختِ سیامک چه از بختِ شاه
[۱۹] سپه کرد و نزدیکِ او راه جست
همی تخت و دیهیم کَی شاه جست
[۲۰] همی گفت با هر کسی رازِ خویش
جهان کرد یکسر پُر آوازِ خویش
•
بازنموده
گیومرت پسری زیبا داشت که خردمند و ـ همچون پدر ـ دلیر و جویای نام بود. او سیامک نام داشت و خجسته بود و مایه آرام و شادمانی گیومرت. پدر، از [همه] گیتی، به دیدار او شاد بود، چه اینکه پسر برای او چنان بود که شاخ بارور برای ریشه. از مهری که به او داشت، بر جانش نگران بود و از بیم جدایی اش می سوخت.
روزگاری بر این گذشت و [ستاره] بخت شهریار درخشان شد. در گیتی، کسی دشمن او نبود، مگر اهریمن فریب کار پنهان/در نهان. اهریمن بداندیش، که [به گیومرت] رشک می برد، چندان اندیشید و چاره جویی کرد که بالید و گردن کشید. او بچه ای داشت چون گرگ سترگ و تنومند که با سپاهی بزرگ پُردل شده بود و جنگ می جست. از بخت سیامک بود یا از بخت شاه، بسیار کسان پشت بچه دیو درآمدند و به سپاه او پیوستند. بچه دیو هم سپاه را گرد کرد و در پی گیومرت افتاد و آهنگ تخت و تاج شاه بزرگ کرد. او اندیشه و خواست خویش را با همه می گفت، تا آنکه همه جا را از فراخوان خویش پُر کرد.

صاحب خبر

یادنامه دکتر ابوالفضل خطیبی منتشر شد

در ستایش شاهنامه پژوه پرکار

خادم

«پژوهنده نامه باستان» یادنامه دکتر ابوالفضل خطیبی، شاهنامه پژوهی است که در دی ماه ۱۴۰۱ به علت مشکلات کبدی از دنیا رفت.
کار این یادنامه به کوشش سه تن، یعنی سجاد آیدنلو، سلمان ساکت و رضا غفوری به سرانجام رسیده است. آن ها در مقدمه کتاب درباره دکتر خطیبی آورده اند: «در زمینه کار تخصصی خویش، یعنی شاهنامه شناسی، از سرآمدان کم نظیر بود و در تاریخ پژوهش های این حوزه، در ایران و جهان و در میان گذشتگان و امروزیان، بی هیچ مبالغه ای، شاید فقط بتوان چند نفر انگشت شمار را یافت و نشان داد که سطح کارهایشان ـ به لحاظ کمّی و کیفی ـ با آثار آن مرحوم در خور مقایسه باشد.»
این اثر، جزمقدمه تدوین کنندگان، سال شمار زندگی و کتاب شناسی خطیبی و بازنشر گفت وگویی با او، از دو بخش اصلی تشکیل شده است؛ بخش نخست «درباره مرحوم دکتر خطیبی» است و بخش دوم و مفصل تر نیز به مقالاتی ـ اعم از تألیف یا ترجمه ـ اختصاص دارد که به دلیل حوزه اصلی کار خطیبی، غالبا، درباره فردوسی و «شاهنامه» و مباحث حماسی و اساطیری است.
در بخش اخیر، هفت یادداشت و مقاله کوتاهِ چاپ نشده از خطیبی هم چاپ شده است که در زمان حیات او در اختیار دو تن از تدوین کنندگان این اثر قرار گرفته بوده است. از جمله استادان و پژوهشگرانی که در این یادنامه نوشته ای دارند، می توان به حمیدرضا اردستانی رستمی، آرش اکبری مفاخر، محمود امیدسالار، مهری بهفر، جلال خالقی مطلق، فریبا شکوهی، علی اشرف صادقی، امید طبیب زاده، دیک دیویس، فیلیپ ژینو و کومیکو یاماموتو اشاره کرد.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | امدرس و پراستاری

ناویراسته ✗
او برای سومین بار خودکشی کرده که همسرش او را نجات داده است.
ویراسته ✓
۱. او سه بار دست به خودکشی زده، ولی همسرش او را نجات داده است.
۲. او سه بار اقدام به خودکشی کرده، ولی همسرش او را نجات داده است.
نکته
اگر این فرد واقعا خودکشی کرده بود، باید همان بار نخست می مرد.

#زین_قند_پارسی